



حال افزایش است. البته اسرائیل هنوز قدرت نظامی، سیاسی و دیپلماتیک برای شروع کردن دوباره جنگ در غزه را حفظ کرده اما قاعدتاَ این قدرت نامتناهی نیست و در حال حاضر می‌شود نشانه‌هایی از محدودیت‌های ژئوپلیتیک این قدرت را مشاهده کرد.

اما در این میان یک چیز تغییر نکرده است. این واقعیت جغرافیایی تغییر نکرده که غزه و اسرائیل هنوز به هم چسبیده‌اند و از هم گریزی ندارند. نه اسرائیل می‌تواند آینده غزه را نادیده بگیرد و نه غزه می‌تواند راه خودش را از اسرائیل جدا کند. حماس اگر بخواهد همچنان از غزه به عنوان پایگاهی برای تبلیغ آرمان فلسطین استفاده کند در هر صورت باید یا با اسرائیل بجنگد و یا به نوعی با اسرائیل کنار بیاید اما این مبارزه ممکن است بیشتر به شکل نوعی حفظ وضع موجود و استقامت باشد. به این امید که اراده سیاسی اسرائیل سست شده و در نهایت مجبور شود از غزه عقب‌نشینی کند تا حماس بتواند خودش را بازسازی کند. آیا این امید حماس بیهوده است؟ خیلی نمی‌توان مطمئن بود که این امید حماس بیهوده باشد.

اسرائیل در گذشته نقاط زیادی را اشغال کرده اما بعد از مدتی به دلایلی مشخص عقب‌نشینی کرده است. شاید حماس به این امید است که ممکن است بتواند کاری که حزب‌الله در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی انجام داد را انجام دهد. یعنی یک درگیری طولانی چریکی علیه اسرائیل به راه بیاندازد و در نهایت اسرائیل مجبور شود از غزه عقب بکشد. همانطور که در نهایت مجبور شد از لبنان عقب‌نشینی کند.

اما هدف اسرائیل نابودی کامل حماس و ایجاد یک نظام حکمرانی عربی جدید در غزه است. اسرائیل برای محقق کردن این هدف چاره‌ای ندارد جز اینکه اراده سیاسی حماس را در هم بشکند. اما شکستن اراده سیاسی حماس کار چندان ساده‌ای نیست. چون حماس یک نهاد دموکراتیک نیست. حماس در این شرایط محبوبیت خیلی زیادی هم در غزه ندارد. بنابراین نه پارامترهای دموکراتیک و نه ملاحظات محبوبیت عمومی در شکل دادن اراده سیاسی حماس مؤثر نیست. در شرایط فعلی حماس یک گروه مسلح غیردموکراتیک و ایدئولوژیک است. حالا به میزان بیشتری منزوی شده و محبوبیتش نیز کاهش یافته است، بنابراین اراده سیاسی‌اش از پارامترهای بیرونی تأثیر نمی‌گیرد بلکه بیشتر ریشه در پارامترهای ایدئولوژیک دارد و در هم شکستن ایدئولوژی نیز کاری است بس دشوار.

البته شکست دادن جنبش‌های چریکی غیر ممکن هم نیست. نیاز به زمان و فشار نظامی مداوم دارد. ترکیه تقریباً بعد از ۵۰ سال توانست حزب کارگران کردستان را مهار کند. ببرهای تامیل در سریلانکا هم همین سرنوشت

در مورد اسرائیلی‌ها هنوز نمی‌توان گفت که اگر دولت

بعدی در اسرائیل

به قدرت برسد باز

هم همین استراتژی

را ادامه خواهد داد

یا خیر. ممکن است

اسرائیلی‌ها دوباره

تصمیم بگیرند از

غزه خارج شوند و

غزه را به یک نیروی

بین‌المللی بسپارند و

آن گروه بین‌المللی

بتواند حماس را کنترل

کند. در این خصوص

در حال حاضر

نمی‌توان نتیجه‌ای

گرفت

را داشتند و در نهایت شکست خوردند. حتی خود اسرائیل هم یک زمانی موفق شد سازمان آزادی‌بخش فلسطین را در هم بشکند.

▼ زمان، پارامتری تعیین‌کننده

اینجاست که پای زمان به میان می‌آید؛ با توجه به توضیحاتی که داده شد می‌بینید که هر دو طرف به زمان نیاز دارند و در حال استفاده از زمان علیه دیگری هستند. حماس امید دارد که با گذر زمان، ترامپ نسبت به استراتژی اسرائیل در خصوص غزه صبرش را از دست بدهد. به موازات این، حماس می‌داند که اسرائیل به موعد برگزاری انتخابات سراسری نزدیک می‌شود. دولت ترامپ نیز به شدت به دنبال این است که بتواند اعلام کند در خاورمیانه یک پیروزی بزرگ به دست آورده است. حالا اگر آتش‌بس نقض شود و دوباره جنگی شروع شود، ممکن است ترامپ به این نتیجه برسد که اساساً حضور اسرائیل در غزه باعث می‌شود هیچ طرحی به نتیجه نرسد اما مسئله این است که ترامپ به این زودی‌ها به چنین نتیجه‌ای نخواهد رسید بنابراین به گذر زمان نیاز است. در آن سو، امید اسرائیل این است که ترامپ سه سال دیگر قدرت را در دست دارد، بنابراین اسرائیل وقت کافی دارد تا حماس را شکست دهد. محاسبه دیگر اسرائیل این است که اگر بتواند درگیری با حماس را به دور از توجه رسانه‌ها انجام دهد، آن‌وقت دیگر بازتاب جهانی نیز در کار نخواهد بود. بنابراین این احتمال وجود دارد که اسرائیل مسیر کمک‌ها به غزه را باز کند تا کمی فشار را از روی خودش بردارد و به موازات آن درگیری با حماس را در سطح دیگری و به روش دیگری ادامه دهد.

خلاصه اینکه هنوز مشخص نیست کدام طرف می‌تواند از ابزار زمان به نحو بهتری علیه دیگری استفاده کند. پیش‌بینی آینده درازمدت سخت است. به طور کلی از شواهد اینطور برمی‌آید که حماس موقعیت ضعیف‌تری دارد. منزوی شده است و در قسمت‌های کوچک‌تری از غزه محاصره شده و نمی‌تواند مثل قبل تجدید قوا کند. بنابراین هر چه زمان بگذرد شرایط برایش سخت‌تر می‌شود. البته حماس تا همین جا نیز تاب‌آوری نشان داده است. حماس هنوز توانسته حضورش را در رفح حفظ کند. اما یکی از عوامل اصلی شکست احتمالی حماس شدت پیدا کردن اختلافات داخلی بین نیروهای حماس است. اگر این اختلافات داخلی رخ ندهد، به طور حتم اجماع داخلی در حماس این‌ خواهد بود که مبارزه علیه اسرائیل ادامه یابد.

در مورد اسرائیلی‌ها هنوز نمی‌توان گفت که اگر دولت بعدی در اسرائیل به قدرت برسد باز هم همین استراتژی را ادامه خواهد داد یا خیر. ممکن است اسرائیلی‌ها دوباره تصمیم بگیرند از غزه خارج شوند و غزه را به یک نیروی بین‌المللی بسپارند و آن گروه بین‌المللی بتواند حماس را کنترل کند. در این خصوص در حال حاضر نمی‌توان نتیجه‌ای گرفت.

اما حالا ترامپ اعلام کرده که به زودی مرحله دوم طرح صلح غزه به اجرا در خواهد آمد. به گفته دو مقام آمریکایی و یک منبع غربی که مستقیماً در این روند دخیل هستند، ترامپ قصد دارد پیش از کریسمس اعلام کند که روند صلح غزه وارد مرحله دوم شده و ساختار حکمرانی جدید این‌ منطقه را رونمایی کند. آتش‌بس شکننده در غزه بزرگ‌ترین دستاورد سیاست خارجی ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری او تاکنون بوده است، و دولت او می‌خواهد برای جلوگیری از بازگشت به جنگ، به مرحله دوم پیش برود. آتش‌بس کاملاً فرو نپاشیده است اما حملات اسرائیل تاکنون ۳۶۶ فلسطینی را کشته و حملات حماس نیز چندین سرباز اسرائیلی را از زمان آغاز آتش‌بس در ۱۱ اکتبر به قتل رسانده است. یکی از عناصر کلیدی مرحله اول — آزادی تمامی گروگان‌های زنده و فوت‌شده توسط حماس — تقریباً کامل شده است. تنها بقایای یک گروگان فوت‌شده هنوز بازگردانده نشده و یک هیئت اسرائیلی پنج‌شنبه با میانجی‌گران قطری و مصری دیدار کرد تا درباره نحوه بازگرداندن آن گفت‌وگو کند. تحت فشار آمریکا، اسرائیل موافقت کرده گذرگاه رفح را باز کند و اجازه دهد فلسطینی‌ها از غزه به مصر خارج شوند. اسرائیل، مصر و آمریکا در حال گفت‌وگو درباره ترتیبات امنیتی هستند اما امکان بازگشت فلسطینی‌ها در جهت مخالف را فراهم

خواهد کرد. انتظار می‌رود بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، پیش از پایان ماه با ترامپ در آمریکا دیدار کند تا مرحله بعدی توافق غزه را بررسی کنند. ترامپ در یک تماس تلفنی به نتانیاهو گفته است که انتظار دارد او «شریک بهتری» در موضوع غزه باشد. مرحله دوم توافق شامل خروج بیشتر نیروهای اسرائیلی از غزه، استقرار یک نیروی بین‌المللی تثبیت‌کننده (ISF) در غزه، و به‌کارگیری ساختار حکمرانی جدید است که شامل «هیئت صلح» به رهبری ترامپ می‌شود.

شورای امنیت سازمان ملل به‌تازگی هم ISF و این هیئت را تأیید کرده است. مقامات آمریکایی می‌گویند در مراحل پایانی تشکیل این نیروی بین‌المللی و ساختار جدید حکمرانی برای غزه هستند و امیدوارند طی دو یا سه هفته آینده آن را اعلام کنند. یک منبع غربی دخیل در این‌ روند گفت: «تمام عناصر مختلف به‌خوبی پیش رفته‌اند. همه چیز جلو می‌رود و هدف این است که قبل از آغاز تعطیلات اعلام شود.» در رأس ساختار حکمرانی، هیئت صلح به رهبری ترامپ قرار می‌گیرد که شامل حدود ۱۰ رهبر از کشورهای عربی و غربی خواهد بود. در سطح بعد، یک هیئت اجرایی بین‌المللی قرار خواهد داشت که شامل نخست‌وزیر سابق بریتانیا، تونی بلر، مشاوران ترامپ جارد کوشنر و استیو ویتکاف، و دیگر مقام‌های ارشد از کشورهای خاوند بود که در هیئت صلح حضور دارند. یک دولت تکنوکرات فلسطینی تحت نظارت این هیئت اجرایی اداره خواهد شد. این دولت شامل ۱۲ تا ۱۵ فلسطینی با تجربه مدیریتی و تجاری خواهد بود که وابسته به حماس، فتح یا هیچ حزب یا گروه فلسطینی دیگر نباشند.

به گفته یک منبع مطلع از روند گزینش، فهرست اولیه شامل ۲۵ فرد بود که حدود نیمی از آنها حذف شده‌اند. برخی از نامزدها اکنون در غزه زندگی می‌کنند و برخی دیگر قبلاً در آنجا بوده‌اند و برای خدمت در دولت جدید بازخواهند گشت. آمریکا در مراحل پایانی دستیابی به اجماع با اسرائیل، تشکیلات خودگردان فلسطین و کشورهای منطقه درباره ترکیب دولت تکنوکرات قرار دارد. در همین حال، کشورهایی از جمله اندونزی، آذربایجان، مصر و ترکیه اعلام آمادگی کرده‌اند که نیرو به ISF اعزام کنند. قرار است این نیرو در بخش‌هایی از غزه که اکنون تحت کنترل ارتش اسرائیل است مستقر شود. مقامات آمریکایی می‌گویند این اقدام امکان خروج بیشتر نیروهای اسرائیلی از این مناطق را فراهم می‌کند. طرح ترامپ پیش‌بینی می‌کند که ISF به‌طور نزدیک با دولت تکنوکرات و در هماهنگی با اسرائیل و مصر کار کند. منابع می‌گویند آمریکا، قطر، مصر و ترکیه در حال مذاکره با حماس بر سر توافقی هستند که بر اساس آن این گروه از اداره غزه کناره‌گیری کرده و روند خلع سلاح را آغاز کند. طبق این پیشنهاد، حماس ابتدا سلاح‌های سنگین خود را کنار می‌گذارد و سپس روند برچیدن سلاح‌های سبک را آغاز می‌کند. منبع غربی دخیل در گفت‌وگوها گفت که مصر و قطر به رسیدن به توافق با حماس خوش‌بین هستند، اما نتانیاهو چنین نیست. این منبع گفت: «بی‌بی‌بیدین است، اما متعهد است که این روند را یک فرصت بداند.» آمریکا و میانجیگران می‌خواهند تمامی عناصر لازم برای توافق مرحله دوم را، با حمایت کشورهای منطقه، آماده کرده و سپس آن را برای پذیرش به حماس ارائه کنند. این منبع گفت: «معادله این خواهد بود: خروج ارتش اسرائیل از غزه در برابر خروج حماس از قدرت.»

اما سؤال بزرگ این است که آیا حماس با خلع سلاح و اجازه به دولت جدید برای به‌دست گرفتن قدرت و اداره منطقه موافقت خواهد کرد؟ آنها نمی‌توانند مستقیم یا غیرمستقیم از طریق سلاح‌هایشان در قدرت باشند. لحظه سرنوشت‌ساز در چند هفته آینده فرا خواهد رسید. «یک مقام کاخ سفید به آکسیوس گفت: «اعلامیه‌هایی در باره هیئت صلح و اجرای بیشتر طرح صلح غزه در هفته‌های آینده منتشر خواهد شد.» این مقام افزود: «دولت ترامپ و شرکای ما به‌طور جدی برای اجرای طرح تاریخی ۲۰ ماده‌ای رئیس‌جمهور ترامپ که امنیت و ثبات را برای مردم غزه و منطقه گسترده‌تر به ارمان خواهد آورد، کار می‌کنند.»

اما به طور کلی به نظر می‌رسد که سال آینده میلادی نشان خواهد داد که روند امور در غزه به کدام سمت حرکت خواهد کرد؛ غزه به زمان نیاز دارد.

دیپلمات‌ها



واکنش تهران به بیانیه اعراب

سخنگوی وزارت خارجه ایران، ادعاهای بی‌اساس مطرح‌شده در بیانیه‌سران شورای همکاری خلیج‌فارس درباره جزایر ایرانی‌را رد کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در یک موضع‌گیری رسانه‌ای، با اظهار تأسف از اصرار شورای همکاری خلیج فارس در تکرار ادعای بی‌اساس ونادرست امارات متحده عربی در مورد جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، ادعاهای مندرج در بیانیه‌پایانی چهل‌وششمین نشست سران آن شور را راجع به این جزایر ایرانی‌را محکوم و تأکید کرد جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بخش‌های جدایی‌ناپذیر از قلمرو سرزمینی ایران است و هرگونه ادعای ارضی نسبت به آنها از اساس بی‌مبنا و بی‌اعتبار بوده و آشکارا با اصل احترام به تمامیت سرزمینی کشورها و حسن همجواری نیز مغایر است. سخنگوی وزارت امور خارجه با یادآوری حاکمیت مؤثر، مستمر وبلامنازع ایران بر این سه جزیره در طی قرون متمادی تصریح کرد: تکرار یک ادعای بی‌اساس نسبت به بخشی از سرزمین یک کشور تغییری در واقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی نمی‌دهد و از حیث حقوقی نیز هیچ‌حقی برای ادعاکننده ایجاد نمی‌کند. این دیپلمات ارشد ایرانی با تأکید بر سیاست جمهوری اسلامی ایران در حسن همجواری و همکاری با کشورهای همسایه جهت تقویت مناسبات وصیانت از امنیت وثبات منطقه، امارات متحده عربی و شورای همکاری خلیج فارس را به رهیز از اتخاذ مواضع تحریک‌آمیز و مغایر با حسن همجواری در مورد ایران فرا خواند.



پیام عراقچی به همتای لبنانی

عراقچی از همتای لبنانی خود برای سفر به ایران دعوت کرد. وزیر امور خارجه ایران با ارسال پیامی کتبی به «یوسف رجبی» وزیر امور خارجه لبنان، با اشاره به روابط دیرینه و دوستانه میان دو کشور، بر استمرار حمایت جمهوری اسلامی ایران از حاکمیت، وحدت ملی، تمامیت سرزمینی، امنیت وثبات این کشور به‌ویژه در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی تأکید کرد. عراقچی با دعوت از همتای لبنانی خود برای سفر به ایران به منظور رایزنی در مورد توسعه روابط دوجانبه و بررسی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، ابراز اطمینان کرد که مردم و دولت لبنان با موفقیت تهدیدها و چالش‌های موجود را پشت‌سر خواهند گذاشت.



انتقاد از نقض حقوق بشر

امیرسعید ابروانی، سفیر ونماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد گفت که اقدامات قهرآمیز یکجانبه نقض آشکار حقوق بین‌المللی و نیز ناقض حقوق بشر و حق توسعه است. ابروانی در سخنانی در مجمع عمومی سازمان ملل، تصریح کرد: اقدامات قهرآمیز یکجانبه از جمله چالش‌های هولناکی هستند که نقض آشکار اصول اساسی حقوق بین‌الملل و اصول مندرج در منشور ملل متحد، علی‌الخصوص برابری حاکمیتی و عدم‌مداخله را تشکیل می‌دهند. دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، افزود: این اقدامات غیرقانونی همچنین ناقض حقوق بشر از جمله حق توسعه بوده و تحقق آنها را مختل می‌سازند و در نتیجه، بهره‌مندی جامع از حقوق بشر را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهند. ابروانی اضافه کرد: مجمع عمومی سازمان ملل متحد همواره نسبت به آثار منفی اقدامات قهرآمیز یکجانبه بر روابط بین‌الملل، توجایت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌ها ابراز نگرانی کرده، این‌گونه اقدامات غیرقانونی را مردود شمرده و نسبت به آنها اعتراض کرده است.